

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

علی ناظر
۲۲ می ۲۰۲۴



علی ناظر

دوران جدید، بحرانی جدید

سالها پیش از سه نوع بحران نوشته بودم – بحران فروپاشی، بحران سرنگونی و بحران انقلابی. در همان زمان نوشتم که ایران در بحران انقلابی نیست و شرایط لازم برای ورود به این بحران هم علنی نشده اند. مضاف بر آن نوشتم که اگر اپوزیسیون سرنگونی طلب متحد نشود، پس از تشدید بحران فروپاشی کلیت نظام از درون متلاشی شده و ایران وارد آنارشیزم خواهد شد، و راهکار پیشنهادی این بود که اپوزیسیون با استفاده از امکاناتش، ماهیت بحران فروپاشی را به بحران سرنگونی تغییر دهد. از آن زمان سالها گذشته و با وجود تشکیل کانون های شورشی، علانم چرخش بحران فروپاشی به بحران سرنگونی هنوز ظاهر نشده است. دلایلش هم روشن است. اپوزیسیون به فرهنگ جامعه نپرداخته است، و به جای پوسته شکنی، بیشتر از حد درونگرا شده است.

نظام اسلامی حاکم بر خلق ستمدیده، امید داشت که قاسم سلیمانی به عنوان فرد اصلح جانشین خامنه ای شود. چنین نشد. رئیسی انتخاب دوم بود. می دانیم که چنین نخواهد شد. در دوران حاضر که جنگ غزه، بسیاری از معادلات را باز نویسی کرده، و نظام اسلامی به دنبال تغییر عمق ستراتیژیک به تولید بمب هسته ایست، بحرانی جدید کلیت نظام را به خود مشغول داشته است. بحران جانشینی، و شاید بشود نوشت بحران سردرگمی.

صحبت در شبکه های اجتماعی و سایت های بیگانه فارسی زبان دور این محور می چرخد که مجتبی خامنه ای جانشین علی خامنه ای می شود. به نظرم این از واقعیات میدانی دور از ذهن است. نظام می داند که شرکت مردم در نمایش انتخاباتی مجلس شورای اسلامی کمتر از ۱۰٪ و برخی از نمایندگان کمتر از ۳٪ رأی برای خود جمع آوری کردند. در چنین حالتی و به خصوص پس از آبان دو سال پیش و موقعیت نظام در شرایط کنونی بین المللی، تبدیل ولایت فقیه به ولایت موروئی خودکشی در وسط میدان آزادی است.

از سوی دیگر، نظام به دنبال یک دست کردن خود بود و به همین خاطر هر کس و ناکسی از شرکت در حضور در مجلس منع شد، تا افراطی ترین مجلس از بهمن ۱۳۵۷ تشکیل شود. رهبر هم می بایست به همان اندازه راست و

افراطی باشد. هرچند راست و افراطی بودن رهبر برای بقای نظام لازم است اما کافی نیست. ذوب شدگان در ولایت هم باید از این رهبر فرمانبرداری داشته باشند. اما نظام دچار قحط الرجالی است.

نکته حائز اهمیت اینکه این دوران با دوران پس از مرگ خمینی قابل مقایسه نیست. امروز مردم به شبکه های اجتماعی دسترسی دارند. امروز شخصی با گذشته خامنه ای در نظام وجود ندارد. امروز زمام امور در دست شخصیتی مودی همچون رفسنجانی نیست. امروز دوران قحط الرجالی است.

چاره و تنها راهکار، همانطور که سالها پیش نوشته بودم، شورای رهبری است. این شورا می تواند خلأ حاضر را تا مدتی پر کند، تا نظام بتواند برای پست ولی فقیه فرد شایسته ای پیدا کند.

مشکل اینست که با معرفی شورای رهبری، مردم دیگر به کمتر، یعنی ولایت فردی، قانع نخواهند بود، و حذف اصل ولایت فقیه را خواستار خواهند شد. اما تا به امروز، مشکل اصلی نظام، نه انتخاب فرد تدارکاتچی طی ۵۰ روز آینده، بلکه جانشین رهبر است.

بحران سردرگمی اولین گام بحران فروپاشی است. خود را برای آن آماده کنیم.

علی ناظر

۰۱ خرداد-جوزا-۱۴۰۳

۲۱ می ۲۰۲۴